

شماره: ۱۰۹

جزوهی مطالعاتی

قراگاه شهید باقری

جریان شناسی سیاسی

# جریان اصیل انقلابی



# فهرست

- مقدمه ..... ۱
- ۱- تاریخ جریان اصیل انقلابی ..... ۲
- ۲- جریان اصیل انقلابی و بزنگاه های انقلاب ..... ۵
- ۳- جریان اصیل انقلابی از دیدگاه امام خمینی(ره) ..... ۷
- ۴- جریان اصیل انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری ..... ۹
- ۵- از جریان اصیل انقلابی تا مدیریت انقلابی ..... ۱۱
- ۵-۱- مشخصات مدیریت انقلابی ..... ۱۱
- ۵-۲- ویژگی های عملکردی مدیریت انقلابی ..... ۱۴
- ۵-۳- مصادیق عملی مدیریت انقلابی ..... ۱۶

## مقدمه

جریان‌های سیاسی پدیده‌ای بسیار مهم و نقش آفرین در تاریخ و تحولات جوامع به شمار می‌آیند. مراد از جریان سیاسی، یک حرکت سیاسی پویا و زنده است که با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری درونی به مدد رهبران خود بر اقشار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و جبهه، جناح، حزب، سازمان یا نهاد و گروه ویژه خود را بنیان می‌نهد. هدف نهایی جریان‌های سیاسی، کسب قدرت و استقرار نظام سیاسی مورد نظر خود است که آن را از طریق راهبردها و راهکارهای مختلف پی می‌گیرند.

جریان‌شناسی به شناخت یک طیف گسترده فکری، اعتقادی، سیاسی و ایدئولوژیک گفته می‌شود همچنین جریان‌شناسی را شناخت بسترها و چگونگی شکل‌گیری اندیشه‌ای با بررسی مبانی فکری تئوری‌پردازان به همراه بررسی مواضع و عملکرد آنان اطلاق می‌شود. در یک تعریف رساتر و کامل‌تر شاید بتوان گفت که «جریان‌شناسی به شناخت مبانی و خاستگاه فکری، سیاسی-اعتقادی و اندیشه‌ای، افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی خاصی که دارای دیدگاه‌ها، جهتگیری‌ها، مواضع و رفتار سیاسی متمایز از دیگران باشد، گفته می‌شود. بنابراین جریان‌شناسی یعنی شناخت یک گفتمان و پارادایم فکری است.» بدین روی، شناخت صحیح مسائل سیاسی در هر جامعه، وامدار شناخت این جریان‌ها است. راه یافتن اینکه هر جریان، از چه ماهیت فکری برخوردار است و نقاط قوت و ضعف آن چیست، به ویژه برای نسلی که از تاریخ رویش، پویا و خیزش جریان‌ها اطلاع کافی ندارد، بسیار ضروری است.

بررسی جریان‌ات فکری و سیاسی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حرکتی بسیار دشوار است که لازمه آن شناخت و دید تاریخی بسیار دقیق و کارشناسی است. صحبت از جریان‌ات سیاسی بعد از انقلاب علاوه بر اینکه بسیار آسان به نظر می‌رسد از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی برخوردار است که به هیچ وجه نمی‌توان از آن به سادگی گذشت. انقلاب اسلامی آن قدر عظیم و بزرگ است که هیچ یک از جریان‌ات بعد از پیروزی انقلاب نمی‌توانند ادعا کنند که میراث‌دار فهم دقیق و درست مبانی انقلابی است که امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری پرچمداران آن هستند. تحولات سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آن قدر سریع و پیچیده در حال شکل‌گیری است که عدم شناخت صحیح از تاریخ جریان‌ات سیاسی باعث می‌شود تا دیدگاهی ناصحیح از مبانی اصلی جریان‌ات سیاسی را دریافت کنیم. ما در این نوشتار سعی خواهیم داشت تا به طور موجز و کوتاه به مبانی سه جریان عمده ی

کشور بپردازیم، در جزوه ی شماره ی سه ما به جریان شناسی حرکت اصیل انقلابی خواهیم پرداخت که به اختصار در ادبیات سیاسی به آن جریان انقلابی نامیده می شود. این جریان به حق صاحبان اصلی انقلاب هستند و در برابر همه ی تهاجمات فرهنگی، اقتصادی و نظامی این جریان بوده است که به عنوان پیروان واقعی راه امام و رهبری ایستاده اند و توانستند در برابر بی بصیرتی هایی که از سوی برخی از خواص در جریان بوده است از دستاوردهای نظام دفاع کنند و از سقوط بسیاری از ارزش های انقلاب جلوگیری کنند. در فتنه ها زمانی که دو جریان اصول گرا و اصلاح طلب در برابر هم صف آرایی کرده بودند و سعی داشتند هر کدام به بخشی از خواسته های خود که همواره به قدرت رسیدن و به دست گرفتن قدرت اجرایی و قانونگذاری در جامعه بوده است برسند، این جریان اصیل انقلابی بود که توانست در برابر همه ی هجوم ها ایستادگی کند و بتواند پیروزمندانه از قلب مشکلات بیرون بزند و اصل نظام را حفظ کند و با پشتیبانی از ولایت فقیه توانستند سایه ی جنگ را از سر کشور دور کنند و چشم طمع دشمنان نظام را کور کرد. اقدامی که از سوی بسیاری از مسئولین در زمان به موقع صورت نپذیرفت و این همواره یکی از گله هایی است که از سوی امام(ره) و مقام معظم رهبری نسبت به بی بصیرتی خواص زده می شود. ما در این نوشتار سعی داریم تا نگاه تازه و جدیدی به جریان اصیل انقلابی بیندازیم و تلاش خواهیم کرد تا این موضوع را تا حدی بازشناسی کنیم.

## ۱- تاریخ جریان اصیل انقلابی

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش، بار دیگر محمد رضا شاه به قدرت رسید. سقوط دولت ملی مصدق صرفا به معنای شکست سیاست ملی کردن صنعت نفت نبود، بلکه فاجعه ای تاریخی برای سرنوشت ملت ایران بود. این شکست موجب شد تا مردم ایران امیدشان را برای آزادی و استقلال از بیگانه، از دست بدهند و راه برای ظهور مجدد استبداد در مخرب ترین و مخوف ترین شکلی که ایران تجربه کرده است باز شد. همایون کاتوزیان در این باره می نویسد، با روی کار آمدن شاه و دولت کودتا، همه دستاوردهای سیاسی در نهضت ملی یک شبه نابود شد و تمام دست اند کاران نهضت محاکمه، تبعید و یا اعدام شدند.<sup>۱</sup> رژیم شاه که با رحلت آیت الله بروجردی زمینه را برای حذف اسلام مهیا دید در صدد برآمد با تضعیف اسلام با ارائه لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی زمینه را بر ای تقویت بیگانگان و نفوذ بهائیان در حکومت باز کند. حامد الگار در این زمینه می نویسد: «علت مخالفت آیت الله خمینی(ره) با این قوانین آن بود که شرط سوگند خوردن به قرآن برای اعضای انجمن ها

حذف شده بود و این نگرانی وجود داشت که اقدام فوق، راه را برای مشارکت بهاییان در حیات سیاسی کشور هموار سازد»<sup>۲</sup>.

علاوه بر اقدامات فوق رژیم پهلوی از ابتدای به دست آوردن حکومت، اقدامات ضد مذهبی را دنبال کردند تا با تغییر فرهنگ دینی مردم ایران، آداب و بدعت های ناسازگار با اعتقادات اسلامی را به جامعه تحمیل کنند. این سیاست ها همواره با مخالفت عالمان مذهبی روبه رو می شد و گاه به درگیری های گسترده می انجامید که از نمونه های بارز آن می توان به قیام مسجد گوهرشاد در اعتراض به قانون تغییر لباس رضاخانی<sup>۳</sup> اشاره کرد که از حرکت های دینی و انقلابی بود که البته به علت هایی مانند عدم انسجام و احساسی بودن صرف این حرکت ها نتوانست به یک جریان پایدار تبدیل شود. با این دیدگاه می توان اینگونه گفت که هرچند سابقه مخالفت روحانیت با رژیم پهلوی به دوره رضاخان برمی گردد؛ ولی با ظهور امام خمینی(ره) در صحنه سیاسی ایران، از اوایل دهه ۴۰ چهل نقطه عطف و فصل جدیدی در مبارزه با محمد رضا شاه پدید آورد. در واقع قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به رهبری امام خمینی(ره) سبب پیدایش نسلی از روحانیون انقلابی شد که در سال های پس از تبعید امام خمینی(ره)، هدایت گر نهضت وی به شمار می آمدند. تلاش های شاگردان حضرت امام (ره) که از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به طور منسجمی به سمت هدایت مردم پیش می رفت باعث شد تا جریان انقلابی دینی در مسیری درست هدایت شود و به یک جریان اصیل و با جذبه تبدیل شود که نتوانست با تغییر در روحیه ی مردمی که بعد از شکست دولت ملی به روحیه ی یأس و ناامیدی بدل شده بود کار سلطنت پهلوی را یک سره کند. با شهادت حاج آقا مصطفی خمینی(ره) تغییری در روحیه ی مردم به وجود آید به گونه ای که مردم با تمام وجود شعارهای انقلابی را می خواستند و حاضر بودند برای رسیدن به آرمان های انقلاب جان خود را نیز در طبق اخلاص قرار دهند. در واقع تغییری که در روحیه عمومی مردم بعد از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ ایجاد شد، سبب پیوستن اقشار مختلف مردم به انقلاب گردید، با پیوستن مردم به انقلاب سه رکن اصلی انقلاب شامل: مردم رهبری و ایدئولوژی شکل گرفت.

اگرچه مردمی بودن در انقلاب های دیگر هم کم و بیش دیده می شود، ولی در انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته تر است. در این انقلاب، بیشتر مردم به صحنه آمدند و خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برقراری نظام اسلامی شدند. نظامی، کارگر، کارمند، بازاری،

حامد الگار، انقلاب اسلامی و ایران، مترجم مرتضی اسعدی، حسن چیدری، تهران، نشر قلم، ۱۳۶۰، ص ۱۰۰  
حمید بصیرتمنش، «سیاست مذهبی حکومت رضاشاه»، تاریخ معاصر ایران، کتاب دهم، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۹

کشاورز، روحانی، دانشجو و معلم، همه و همه در این انقلاب سهیم بودند. این وجه از مردمی بودن انقلاب شاخص است. در بیشتر انقلاب‌های دیگر، عنصر اصلی مبارزه، نیروهای متشکل حزبی و شبه‌نظامی بودند که از راه جنگ مسلحانه کار را تمام کردند و نقش مردم بیشتر حمایت و پشتیبانی از آنها بود، ولی در انقلاب ما، همه مردم نقش داشتند و در سراسر کشور با یک شدت و قدرت با رژیم پهلوی به مبارزه برخاستند.

این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مردم نقشی در تعیین زندگی خود نداشتند. رژیم پهلوی چه در قانون و چه در عمل نقش قابل توجه و موثری برای مردم در نظر نگرفته بود و آرا و نظرات مردم برای آنها ارزشی نداشت. اصولاً در رژیم‌های سلطنتی، مردم نقش و جایگاه موثری در ساختار حکومتی و تعیین مقامات بلند پایه کشور و نیز تصمیم‌گیری‌های مهم و کلان حکومت ندارند. در همین رابطه «آنتونی پارسونز» آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی در خاطرات خود می‌نویسد: «رژیم پهلوی بر دو بنیاد اصلی قدرت استوار بود که عبارت بودند از ارتش و ساواک<sup>۴</sup>» این اعتراف سفیر انگلیس به عنوان کشوری که حامی رژیم پهلوی بود، به خوبی نشانگر این است که مردم جایگاه و نقش موثری در رژیم پهلوی نداشتند و رژیم، تنها به مردم نداشت. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به این سیاست و بینش پایان داده شد. این دستاورد بزرگ انقلاب موجب گردید مردم نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای در مهمترین ساختارهای حکومتی، وضع قوانین و همه پرس‌ها و نیز اداره کشور داشته باشند.

حضرت امام خمینی(ره) چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن همواره تأکید بر نقش مردم داشته و حقیقتاً برای آن ارزش و اهمیت قائل بودند. در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب، مخاطب و همراه اصلی امام توده مردم بودند. امام، مردم را ولی نعمت مسئولان کشور معرفی کرده و همه مقامات مملکتی را به خدمت به آنها دعوت و سفارش می‌کردند. حکومت ما از دو رکن و پایه اصلی تشکیل یافته است: پایه اسلامی و پایه جمهوری و یکی از هنرهای بزرگ و اعجاب‌انگیز امام و انقلاب اسلامی و قانون اساسی ایران، تلفیق و ترکیب اسلامیت نظام با جمهوریت آن می‌باشد. در عین وفاداری به اسلام، نقش مردم نیز حفظ شده است، حضور مردمی بی‌گمان حضور همه جانبه مردم در تمامی صحنه‌های انقلاب اسلامی در پاسداری از انقلاب اسلامی ایران و در دستاوردهای آن نقش اساسی و مهمی داشته و دارد به عبارت دیگر حضور همه جانبه‌ی مردمی به معنای واقعی کلمه همان حضور و جریان اصیل انقلابی است و اقدامات این جریان باعث شد تا انقلاب اسلامی با حمایت

مردم پابرجا بماند در واقع اگر این حمایت های مستمر در حوادث پس از انقلاب در پیش از دو دهه اخیر صورت نمی گرفت دچار تزلزل و ناپایداری می گردید. در میان شاخصه هایی که نشانگر این حضور همه جانبه مردم در لحظه لحظه گذر انقلاب از هنگام پیروزی آن است شاخصه های نقش مردم و جریان انقلابی در پاسداری و تداوم انقلاب را اینگونه می توان نام برد: الف- شرکت در انتخابات گوناگون ب- مشارکت همه جانبه در صحنه های عمومی ج- مبارزه با بحران های داخلی و مبارزه با ضد انقلاب د- مبارزه با تهدیدهای خارجی اعم از تجاوزات و تحریم ها.

جریان اصیل انقلابی باعث شد تا در جریان انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی گروه های کوچک و بزرگ سیاسی برای تأثیرگذاری بر جریان های سیاسی چاره ای جز تلاش برای همراه جلوه دادن خود با مردم نداشته باشند و هرکدام از جریان های سیاسی خود را به عنوان یکی از جریان های مردمی و انقلابی معرفی می کنند. و سعی می کنند شعارها و اهداف خود را شعارها و اهداف جریان اصیل انقلابی معرفی می کنند. اما در عمل این جریان مردمی و اصیل انقلابی هست که در بزنگاه ها توانسته اند تا به امروز از انقلاب حمایت کنند.

### ۳- جریان اصیل انقلابی و بزنگاه های انقلاب

تمرکززدایی، عدالت اجتماعی و مشارکت آحاد مردم در سرنوشت خود از اصول اساسی انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی است. مقدمه قانون اساسی و اصل ۱۰۰ و ۱۰۲ به این موضوعات اشاره کرده است. اما آنچه در این میان باید بیشتر به آن پرداخت نقش مردم در استقرار و حفاظت از نظام و حکومتی است که برای استقرار آن خون های بسیاری را فدا کرده اند. جریان اصیل انقلابی که از دل آحاد مردم بیرون آمده اند خود را مسئول حفظ دستاوردهای نظام اسلامی می دانند.

شکل گیری نهادهای بنیادین با دست مردم و جریان های انقلابی پس از انقلاب اسلامی نیز، شکل گیری نهادهای مدنی و اجتماعی به دست جریان انقلابی در انقلاب اسلامی سبب شد هرچه بیشتر رنگ مردمی به نهضت زده شود. مشارکت اولیه جریان انقلابی در ساخت نهادهایی نظیر جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی و بنیاد مستضعفان که تماماً توسط انقلابیون تأسیس و به منظور پیشبرد اهداف نظام در راستای تحقق عدالت اجتماعی آغاز به عمل نمودند نمونه ای از مشارکت اساسی مردم در مدیریت نهادهای انقلاب- ساخت بودند.



در مدتی که این نهادها مستقیماً توسط مردم و جریان انقلابی اداره و فارغ از روندهای بروکراتیک مدیریت میشدند در بازه کوتاهی در نیل به اهداف خود بسیار موفق بودند. جریان انقلابی در قالب گروه‌های جهاد سازندگی به نقاط محروم سراسر کشور گسیل شدند تا با ساخت راه و تأسیس نیازهای زیرساختی مستضعفین گام‌هایی در مسیر عمل به شعارهای انقلاب مردمی‌شان بردارند. کمیته‌های سپاه امنیت را به میزان خوبی خصوصاً با توجه به توطئه‌های همه جانبه دشمنان در آن برهه حساس، برقرار کرده بودند. این رویکرد باعث شده بود همه در روند انقلاب عمیقاً به این مسئله باور پیدا کنند که نظام، به راهبرد توزیع فضایی قدرت و واگذاری امور مردم به آنان برای اداره بهتر جامعه باور دارد. هرچند بعد ها دولت‌های معروف به اصولگرایی و اصلاحات بسیار تلاش کردند تا این وجه از سازمان‌های انقلابی را تحت شعاع قرار دهند اما هنوز نیز بسیاری از این سازمان‌ها وجهی انقلابی خود را حفظ کرده‌اند. تلاش‌های دستگاه‌های دولتی بر این امر استوار شده بود تا بتواند مشارکت مردم و جریان انقلابی را تا حد بسیار زیادی کاهش دهد اما مشارکت جریان انقلابی و مردمی در برهه‌های اساسی انقلاب اسلامی، صرفاً محدود به سالهای آغازین شکل‌گیری و تثبیت نظام نبود. مشارکت گسترده مردم در پیچ‌های مهم و سرنوشت‌ساز در سال‌های بعد از انقلاب، سبب شد کسی حضور مردم انقلابی و پیوند عمیق آنها با نظام اسلامی را صرفاً ناشی از احساسات برخاسته روزهای پیروزی انقلاب تلقی نکند. جریان انقلابی و مردمی با حضور چشمگیر در صحنه مبارزه هشت سال دفاع مقدس این همراهی و گره‌خوردگی اهداف خود با اهداف نظام را به خوبی نشان دادند. حضورهای گسترده در صحنه‌های تظاهرات، راهپیمایی‌ها و انتخابات همه ساله جمهوری اسلامی از نمونه‌های دیگر این حضور بود. شاید بتوان گفت جمهوری اسلامی در مقاطعی دچار بحران‌هایی شد که تنها راه رفع آن حضور مردم مستقیماً در صحنه بود و در چنین زمان‌هایی مردم و جریان انقلابی بی‌مضایقه قدم به حمایت برداشتند.

مقطع حساس ۲۳ تیر ۷۸ و روز ۹ دی ۸۸ را یقیناً میتوان جزو این مقاطع پرنش به حساب آورد که نهایتاً با حضور و حمایت مردم و نیروهای انقلابی به تثبیت مسیر انقلاب انجامید. شاید از همین رو باشد که رهبر انقلاب مستمراً به بازخوانی حماسه «۹ دی» پرداخته و از تعابیری چون مشاهده دست خداوند در ابعاد این حماسه استفاده می‌کنند، چراکه حسب روایت شریفه «پدالله مع الجماعه» و در واقع حضور و حمایت جمعی و مردمی از انقلاب و اعلان برائت از ضدانقلاب و معاندین دست خداوند بود که به اقتدار نظام افزود. حضور جریان مردمی



انقلابی در تمام مقاطع به عنوان یکی از مهمترین مبنای اصیل انقلابی به حساب می آید. حضور گسترده در تمام انتخابات ها و راهپیمایی ها خود به عنوان یکی از مهمترین دلایل شکل گیری مصونیت در برابر بحران های سیاسی بوده است. هرچند بسیاری از مسئولین در جناح های مختلف سعی دارند این حضور جریان انقلابی را به جناح خود ربط دهند اما همه خوب می دانند که این مفهومی اشتباه است و این جریان های سیاسی است که خود وابسته به این جریان انقلابی هستند.

### ۳- جریان اصیل انقلابی از دیدگاه امام خمینی (ره)

از اولین سخنرانی امام خمینی (ره) در بهشت زهرا تا آخرین وصایای ایشان ما شاهد اعلام یکسری از ویژگی ها برای جریان انقلابی هستیم که همواره مورد تأکید ایشان بوده است. امام (ره) در همان روزهای مبارزات مردمی در بهشت زهرا حضور یافتند تا ضمن ادای احترام به شهدای انقلاب، به مردم موضوع غیرقانونی بودن مجلس و دولت منصوب شاه و مفاسد رژیم را با این فرمایشات یادآوری کنند: «ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه گذاری شد، بر خلاف قوانین بود... بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است»<sup>۵</sup> نکته ای که امام خمینی (ره) بعدها در بیاناتشان با تبیین ریشه های اسلامی، این موضع را برای مردم روشن کردند که قانونپذیری از مهمترین معیارهای انقلابی بودن است.

بعد از آن ایام داشتن شخصیت انقلابی و انقلابی بودن در بحبویه مبارزات انقلابی امری بدیهی برای رسیدن به هدف بود اما در همان سالهای ابتدایی انقلاب، هرج و مرج های یکسری از گروه های تندرو، این بیانات امام (ره) را در پی داشت: «شما خیال نکنید که حالایی که انقلاب شده پس ما هر کاری دلمان می خواهد بکنیم. ضد انقلابی ها جزء شماها میشوند، شما هم نمی شناسید آنها را، تحریک هم می کنند، می ریزید می شکنید و یک مملکت را اینطوری نمایش می دهید که اینجا هرج و مرج است، یک مملکت هرج و مرجی است.... آداب اسلامی این است که هر کسی موظف بداند خودش را به اینکه حفظ حدود و ثغور را بکند، نه اینکه هرکس هر کاری، هر کمیته های دلش میخواهد هر کاری بکند، از او بپرسند چرا، میگوید انقلاب است. هر پاسداری هر کاری دلش میخواهد بکند از او بپرسند، میگوید این انقلاب است. هر جوانی هر کاری میخواهد بکند، بگوید انقلاب است، معنایش این است که اصلاً انقلاب آن هم انقلاب اسلامی هرج و مرج است، انقلاب اسلامی حکومت جنگل است. این غلط است باید موازین داشته باشد ... باید موازین داشته باشد نه اینکه هر کسی

هر کاری دلش می‌خواهد بکند و هر کس هر طوری عمل بکند و اسمش هم این است که انقلاب است. انقلاب اسلامی معنایش این است که متحول شده است یک مملکت طاغوتی که هر کس می‌خواست ظلم بکند، میکرد به اتکال سرنیزه، مبدل شده است به یک مملکت اسلامی که روی موازین اسلامی عمل می‌شود. موازین اسلامی این است که اگر فرض کنید که یک کسی جرمی کرده است، خودش نمی‌تواند برود آن جرم را عوض کند»<sup>۶</sup>. این بیانات نشان‌دهنده این است که افراد نباید به بهانه انقلابی بودن قوانین کشور را زیر سوال ببرند، هر کاری می‌خواهند انجام دهند و در نهایت با همان سنگ محک برخی از افراد را در دادگاه قضاوتشان از دایره نظام و انقلابی بودن خارج کنند.

یک دیگر از مولفه‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام(ره) را می‌توان ساده زیستی و نفی اشرافیت دانست؛ ایشان در پیامی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی تاکید میکنند: «اگر بخواهید بیخوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاحهای پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکنند خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام پرهیزید...»<sup>۷</sup>

اما یکی از مهمترین ویژگی‌های یک فرد انقلابی را می‌توان داشتن روحیه استقلال طلبی و نداشتن وابستگی به قدرتهای خارجی دانست موضوعی که در مصاحبه امام با خبرگزاری رویترز در سال ۵۷ در نوفل لوشاتو به خوبی مشهود است که ایشان می‌فرمایند: «.. شاه استقلال سیاسی؛ نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است...»<sup>۸</sup>

همچنین امام در پیامی به طلاب علوم دینی و دانش‌آموزان و دانشجویان می‌فرماید: «در همه حال، شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از سر کشور است؛ زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست؛ و هر کس در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما، چه با صراحت و چه به وسیله طرح‌هایی که لازمه‌اش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه‌ای باشد بدهد، خائن به اسلام و کشور است، و احتراز از او لازم است؛ زیرا اگر دخالت اجانب خصوصاً آمریکا، شوروی،

صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۴۸۰  
جلد ۱۸ - ص ۴۷۱ همان.

۶

۷

۸

انگلیس وجود داشته باشد، هر رژیمی که روی کار بیاید تنها آلتی خواهد بود برای عقب نگه داشتن ملت و ادامه بدبختی‌ها و محرومیت‌ها از یک طرف، و چپاولگری‌ها و قلداری‌ها از طرف دیگر. عوض شدن مهره‌ها گرچه ممکن است موقتاً اوضاع را بهتر از حال حاضر کند، ولی تأثیری در سرنوشت ما ندارد، زیرا تمام بدبختی‌ها و گرفتاری‌های مسلمین از دخالت اجانب در مقدرات آنان است.<sup>۹</sup>

مردمی بودن و در خود را از مردم جدانکردن نیز از دیگر مولفه‌های مورد تأکید امام است که می‌توان آن را نیز در زمره ویژگی‌های یک فرد انقلابی دانست امام در این رابطه در دیدار با هیات بحرینی و پاسداران می‌فرماید: «امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را اینطور حساب نکنید. رژیم‌های سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند. آنها در یک طرف بودند، مردم هم در یک طرف بودند. آنها مردم را می‌کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می‌توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست... از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت...»<sup>۱۰</sup>

#### ۴- جریان اصیل انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری

از جمله دغدغه‌های مقام معظم رهبری حفظ اصول مکتب امام راحل و آرمان‌های شهید و انقلاب بوده که تنها راه تداوم انقلاب و صیانت از عزت و سربلندی ملت ایران است؛ زیرا تا راه امام ادامه دارد و این اصول و مکتب دغدغه همگانی مردم و مسئولان کشور باشد، جای هیچ نگرانی برای کشور نخواهد بود. از دیدگاه ایشان جریان انقلابی، مفهوم انقلابی و شخص انقلابی دارای یک گستره‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد است که بسیار گسترده است. ایشان در سخنان خود بارها به مفهوم انقلابی‌گری پرداخته‌اند و آن را مورد خطاب قرار داده‌اند. اما آنچه در میان سخنان ایشان حائز اهمیت است سخنرانی در بیست و هفتمین سالگرد رحلت حضرت امام(ره) در حرم امام(ره) بود که از آن به نوعی جمع بندی مفهوم انقلابی‌گری نیز می‌تواند یاد کرد. در واقع ایشان در این سخنرانی تمام گفته‌های

خود در خصوص انقلابی‌گری را جمع‌بندی کرده و در ۵ شاخص پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی؛ هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به آنها؛ پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور؛ حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او و تقوای دینی و سیاسی خلاصه کردند.

ایشان در پایبندی به مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم. مبانی اساسی ما آنهاست... اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود. در تندباد حوادث این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند... نقطه‌ی مقابل این پایبندی عملگرایی افراطی است. یعنی هر روزی به یک طرف رفتن، هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن.» از دید ایشان پایبندی به ارزش‌های انقلابی آرمان‌گرایی مطابق بر واقع‌نگری را به وجود می‌آورد، از سوی ایشان تسلیم نشدن یکی از شاخص‌های اصیل جریان انقلابی است، لذا در این باره تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمانهای بلند. تسلیم نشویم در مقابل فشارها.» اهمیت و تلاش برای حفظ استقلال سیاسی شاخص اصلی جریان انقلابی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری استقلال سیاسی مفهومی بسیار فراتر از مفهوم رایج است، لذا ایشان می‌فرمایند: «استقلال سیاسی معنایش این است که ما در زمینه‌ی سیاسی فریب [دشمن را] نخوریم... استقلال فرهنگی که از همه مهمتر است در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب نکنیم... استقلال اقتصادی هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه جهانی است.» این دیدگاه دشمن‌شناسی را به ارمغان می‌آورد «باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد؛ این شاخص چهارم، این عدم تبعیت را قرآن، جهاد کبیر نام نهاده است.» اما آنچه به عنوان لازمه‌ی اصلی یک فرد انقلابی و یک جریان انقلابی مطرح می‌شود وجود تقوای الهی است که در سایه‌ی آن تمام شاخص‌های انقلابی‌گری شکوفا می‌شود. «اینکه ما عرض کردیم که باید به آرمانها پابند بود، اسلام اینها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاههایی که دشمن میتواند از آن استفاده بکند پرهیز بکند.»<sup>۱۱</sup>

## ۵- از جریان اصیل انقلابی تا مدیریت انقلابی

جریان اصیل انقلابی در تاریخ انقلاب و در بحران‌هایی که به وجود آمد توانسته است مفهوم مدیریتی خود را نشان دهد. مفهومی که در آن به جای توجه و نگاه به امکانات، جهان بینی توحیدی خود را بر تکلیف‌گرایی مستقر می‌کنند و به جای نتیجه‌گرایی در دیدگاه لیبرالیسم-مذهبی و اصول‌گرایی سنتی به اقدام می‌پردازند و سعی دارند در بحران‌ها تنها به وظیفه‌ی خود عمل کنند ما در این قسمت سعی داریم تا با شناخت صحیح عملکرد مدیریت انقلابی که ناشی از جریان اصیل انقلابی است به مصداق‌های عملی در این باره اشاره کنیم.

### ۱-۵- مشخصات مدیریت انقلابی

«مدیریت انقلابی» مفهومی است مرکب از مؤلفه‌های ذیل:

۱. عشق، ایمان و کار برای خدا

نظام ارزشی اسلام به انسان می‌آموزد که رفتارهای خود را به گونه‌ای سامان دهد که در اثر انجام آن‌ها، آدمی به خداوند متعال نزدیک شود و کمالات معنوی و ارزش‌های والای الهی به دست آورد. انجام کارهایی که در عرصه‌ی مدیریت به وقوع می‌پیوندد نیز مشمول همین قاعده خواهد بود. از این رو یک «مدیر جهادی» مردم را بنده و مخلوق خداوند می‌داند و خدمت به آن‌ها را عبادت می‌شمرد.

در ضمن مدیری که دارای تفکر جهادی است تمام هم و غم خویش را «رضایت الهی» دانسته و به دنبال مطرح نمودن خویش و کسب مقام و شهرت نیست. فرد جهادگر هرچه به خدا نزدیک‌تر شده و جهاد خود را ناب و خالص برای خدا انجام دهد، اکسیر جهاد او نیز ناب‌تر و کمیاب‌تر می‌شود و بالعکس.

البته یک مدیر مسلمان ممکن است نگاهی غیرعبادی به کار خود داشته و مانند پدیده‌ای مادی و دنیایی با آن برخورد کرده و نگاه خشک علمی و آکادمیک به آن داشته باشد. چنین مدیریتی حتی اگر موفقیت‌هایی نیز در پی داشته باشد، آن موفقیت‌ها بسیار ناچیز بوده و چنین نحوه‌ی مدیریتی را نمی‌توان «مدیریت انقلابی» نامید.

۲. جدیت، خستگی‌ناپذیری و شوق به کار

در ضمن برشمردن تعاریف اشتباه از «مدیریت انقلابی»، تعریف آن را به «مدیریت پرقدرت» صحیح ندانستیم و توضیحات بیشتر را به اینجا حواله دادیم. اکنون در توضیح بیشتر آن مطلب عرض می‌کنیم که «مدیریت انقلابی» مدیریتی است همراه با جدیت، خستگی‌ناپذیری

و شوق به کار، پر قدرت بودن به تنهایی اگر همراه با جدیت و شوق نباشد، ممکن است در ادامه و بر اثر برخورد با مشکلات مسیر، به سرخوردگی و ناامیدی منجر شود. «مدیر جهادی» کار را با جدیت، شوق و خستگی ناپذیری انجام می دهد، نه فقط پر قدرت و احياناً برای اسقاط تکلیف!

بهترین شاهد برای مطلبی که گفتیم، مرور حوادث سال های ابتدایی انقلاب اسلامی و بازخوانی آن چیزی است که بر بعضی مدیران اوایل انقلاب رفته است. این افراد هر چند در ابتدای کار بسیار پر قدرت وارد میدان کار شده بودند، اما خسته شدن در برابر طوفان مشکلات و به اصطلاح عامیانه، «بریدن» این افراد، شاهدی است بر جهادی نبودن مدیریت های این چینی! روحیه ی جهادی با حرکت طبیعی در تعارض است و نسبت این دو، نسبتی معکوس است؛ یعنی هر قدر که انسان بخواهد امور دنیا و آخرتش را از مجاری عادی و با حرکتی طبیعی انجام دهد به نتیجه نخواهد رسید. لازمه ی روحیه ی جهادی حرکتی بی وقفه در هر شرایط مکانی و زمانی و امکاناتی است و این امر، یعنی دارا بودن روحیه ی «خستگی ناپذیری»، آن چنان که رزمندگان دفاع مقدس الگوی عملی آن بودند که در سخت ترین شرایط، گاه تا چند شبانه روز، بدون استراحت به جهاد فی سبیل الله می پرداختند.

قرآن کریم نیز در آیه ی ۸۷ سوره ی بقره می فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ...» یعنی خداوند به موسی، کتاب تورات عطا فرمود و پس از آن پیامبرانی پشت سر هم فرستاد تا دین الهی را تبلیغ کنند. این آیه نیز به ما می فهماند که یکی از نکات لازم در راه رسیدن به موفقیت، پیگیری و تداوم برنامه ها برای حصول نتیجه ی نهایی است. همچنان که خداوند، پیامبران را پشت سر هم برای دعوت مردم فرستاده است.

۳. گام های بلند

برداشتن گام های بلند و ریسک پذیر بودن، یکی دیگر از مؤلفه های «مدیریت انقلابی» است. البته بدیهی است که ضمانت موفقیت و پشتوانه ی هر گام بلندی، بررسی های علمی و داشتن برنامه ی صحیح است که یک «مدیر جهادی» از آن ها برخوردار است. نمونه ی این گام های بلند و ریسک پذیری را در «مدیریت انقلابی» دولت نهم و طرح هایی مثل هدمندسازی یارانه ها، سهمیه بندی بنزین و مسکن مهر دیده ایم و اگر احياناً در بخش هایی از این طرح ها با مشکلاتی مواجه بوده ایم، ناشی از کم دقتی در مقدمات و طرح ریزی های اجرایی بوده است.

۴. چالش با موانع و عبور از آن ها

مقام معظم رهبری چالش با موانع را از ویژگی های «مدیریت انقلابی» معرفی کرده اند. این موانع چنانچه در لابه لای بیانات معظم له نیز ذکر شده اند، می توانند ضعف های فکری و عقلانی، راحت طلبی، آسان گرایی، آسان پنداری، گریز از چالش ها، عادت های تاریخی (مثل «ما نمی توانیم») و چیزهایی از این قبیل باشند که یک «مدیر جهادی» با توکل به خداوند متعال و با جدیت و خستگی ناپذیری خود از تمامی این موانع به سلامت عبور خواهد کرد.

۵. شتاب همراه با تدبیر

غیر از برداشتن گام های بلند، داشتن شتاب مناسب نیز از ویژگی های یک «مدیر جهادی» است. چه بسیار کارهای مفیدی که به خاطر تأخیر و عدم شتاب مناسب، در زمانی به انجام رسیده اند که یا دیگر هیچ فایده ای نداشته اند و یا بسیار کم فایده بوده اند. البته همان طور که در عنوان مبحث ذکر شده، این شتاب به هیچ وجه منافاتی با تدبیر ندارد و اساساً تدبیر امور ملازم با کنندی نیست. در نتیجه، باید گفت تدبیر به موقع و شتاب در انجام کار ضامن موفقیت یک «مدیر جهادی» در وظایف محوله است.

۶. بصیرت و عدم غفلت از وجود دشمن

بصیرت، دشمن شناسی و عدم غفلت از وجود دشمن، جزء مقومات یک «مدیریت انقلابی» به شمار می روند و همان طور که مقام معظم رهبری تأکید کرده اند، «هر تلاشی را جهاد نمی گویند؛ ممکن است کسی یک کار علمی ای هم بکند، [اما] جهاد نباشد. جهاد آن حرکتی است که در مواجهه ی با یک خصم، با یک دشمن، انجام می گیرد.» لزوم داشتن بصیرت برای یک مدیر جهادی از آیه ی ۴۵ سوره ی مبارکه ی ص نیز قابل استفاده است. آنجا که خداوند متعال در ضمن برشمردن صفات ویژه ی پیامبران الهی، که مدیران جهادی نمونه بوده اند، می فرماید: «وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ اُولٰٓئِیْ وَ الْاَبْصٰرِ» یعنی از پیامبران پیشین، ابراهیم و یعقوب و اسحاق یاد کن که دارای قدرت و بصیرت بودند.

۷. عدم فراموشی آرمان و جهت

و آخرین مؤلفه ای که از بیانات رهبری معظم استفاده می شود و به نظر می رسد در «مدیریت انقلابی» نقش محوری داشته باشد، فراموش نکردن آرمان ها و گم نکردن جهت و مسیر است. بهترین تعریف از آرمان های نظام را هم باید در بیانات خود معظم له یافت. از جمله ایشان در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۴ شهریور ۹۲، در ضمن بیاناتی می فرمایند: «آنچه ما تصور می کنیم که وظیفه ی ماست، وظیفه ی مجموعه



ی مسئولان کشور است، وظیفه ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه ی بزرگ را برای همه ی تصمیم گیری ها و همه ی اقدام ها در نظر داشته باشند: مؤلفه ی اول عبارت است از آرمان ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی که این اهداف و آرمان ها مطلقاً ناپیستی از نظر دور بشود که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می شود در جمله ی کوتاه ایجاد تمدن اسلامی، خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد، زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این. هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.»

### ۵-۲- ویژگی های عملکردی مدیریت انقلابی

برای تبیین ویژگی های مدیریت انقلابی، سعی می شود از مدل خاصی استفاده گردد. در این مدل، سه حوزه ی ادراکی شناخته شده، که به ترتیب اولویت، بر یکدیگر اثر گذاشته و نهایتاً رفتار فرد را شکل می دهند، معرفی می گردد:

(الف) حوزه ی تمایلات و گرایش ها: ایمان و اعتقاد به آخرت، تقوا، عدالت، نوع دوستی، آینده نگری، تکامل گرایی، تمایل به علم و پژوهش، اعتقاد به مشارکت، اعتقاد به ولایت فقیه، گرایش به نظم و قانون و...

(ب) حوزه ی افکار و ذهنیات: هوش بالا، جامع نگری و نگرش سیستمی، وجود نظام فکری، ژرف نگری و عمیق بینی امور، عرضه ی افکار، همفکری و مشورت و...

(ج) حوزه ی رفتار و عینیات: تواضع و فروتنی متعادل، اعتماد به نفس، سرعت عمل، عیب پوشی، پابندی به ضوابط به جای روابط، عمل به وعده های خود، سعه ی صدر، نظم در کارها، خلاقیت و ابتکار، ارتباط ساده و صریح، خوشرویی، وقار و متانت، پیشگامی در خودشناسی، توان اداره ی امور سازمانی.

مدیریت انقلابی واجد خصوصیات و ویژگی هایی است که می تواند در موفقیت سازمانها نقش اساسی ایفا نماید. این ویژگی ها در بطن دستورها، توصیه ها، نظرها و شیوه های به کار گرفته شده توسط پیشوایان دین حضور و وجود عینی داشته است، ولی برای استفاده از آن در سطوح سازمانی و کاربردی کردن آنها در سازمانها، نیاز به کار پیشگامانه و دور از هراس و خودکمبینی صاحب نظران و عالمان مدیریت و همچنین پژوهش مستمر در این جهت دارد.

به عنوان مثال، ساختار تشکیلاتی گسترده‌ی جهاد و دامنه‌ی وسیع فعالیت‌ها و برنامه‌های این نهاد، سبک مدیریتی خاصی را به نام «مدیریت انقلابی» در این مجموعه ایجاد نموده است. این نهاد به لحاظ معیارهای علمی مدیریت و نیز ویژگی‌های دینی و ارزشی ممتاز، از توانایی‌های خاصی برخوردار است که عبارت‌اند از:

۱. تصمیم‌گیری مشارکتی توسط افرادی که به موضوع تصمیم ارتباط دارند.
  ۲. سبک خاص رهبری به‌طور عمده جنبه‌ی هدایتی و تفویضی دارد و نه دستوری و تحکم.
  ۳. انعطاف‌پذیری سازمانی به‌نحوی که همواره ساختار و نیروی انسانی، متناسب با وظایف و مأموریت‌های جدید متحول شوند.
  ۴. برخورداری از نیروی انسانی متعهد، متخصص و بانگیزه که همواره در یک فرآیند رشد و ارتقای علمی و تجربی قرار گرفته‌اند.
  ۵. فضای باز سازمانی برای ابراز نظرات و دیدگاه‌ها و برخورد آرا، زمینه‌ی بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات را در جهاد فراهم ساخته است.
- در بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد مدیریت انقلابی، که نقطه‌ی اصلی تمایز این سبک و فرهنگ با نمونه‌ی غیراسلامی آن است، می‌توان با مد نظر قرار دادن شعارهای پیشکسوتان این عرصه در نهاد مقدس جهاد سازندگی، ویژگی‌های ذیل را نیز به عنوان مبنای فعالیت در نظر گرفت:
۱. ارائه‌ی خدمات بی‌منت و عاشقانه.
  ۲. توجه به مشارکت مردمی در انجام امور (سازماندهی نیروهای مردمی).
  ۳. بهره‌گیری حداکثری از امکانات موجود تحت اختیار در جهت انجام مأموریت‌های محوله بدون گله و شکایت.
  ۴. اعتماد متقابل به اعضاء و نیروهای مردمی.
  ۵. گسستن قیدوبندهای اداری و تشریفات مربوط به نظام اداری.
  ۶. بی‌توجهی به امور مادی (حقوق، رفاه، مقام و...) جهادگران حتی در زمانی که وجهی به آنها پرداخت می‌شد، از آن به تعبیر کمک هزینه یاد می‌نمودند، نه حقوق.
  ۷. بی‌توجهی به زمان در انجام مأموریت‌های محوله (کار شبانه‌روزی).
  ۸. انجام امور به‌عنوان تکلیف و تلقی کار به‌عنوان عبادت.
  ۹. ایجاد گفتمان مشترک با بهره‌گیری از خدمات ارائه شده.
  ۱۰. تقویت بنیان‌های فرهنگی و توجه به این امور در انجام مأموریت‌ها.

۱۱. الهام و اتصال به ولایت از طریق نماینده‌ی محترم ولی فقیه و انجام وظایف متناسب با تأمین نظر معظم له و هدایت امور در مسیر صحیح و صواب.

۱۲. تصمیم سازی و تصمیم گیری در مدیریت انقلابی با رویکرد «همه با هم» شکل گرفت.

۱۳. جهاد مظهر تفکر «کار نشد ندارد» است.

۱۴. جهاد مصداق تلاش برای رسیدن به هدف است.

۱۵. در قاموس جهاد مشکلات و تنگناها جایگاهی ندارد.

بی‌شک موفقیت این مدیریت در میدان‌ها و عرصه‌ی کاری در سایه‌ی اعتمادبه نفس، ایجاد روابط صمیمانه‌ی انسانی، معاشرت و مشاورت، پیشگامی در کارها، دوری از صفات زشت نفسانی همچون خودپسندی و افزونخواهی، اخلاص در عمل، دوری از منت نهادن و دوری از جدایی از مردم و دیگر اخلاقیات و شئون مدیریت اسلامی است که در محیط جهادی، در طول دوران عمر جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی، به برکت انقلاب اسلامی، رعایت و به کار گرفته شده و بدینسان تلاشها مضاعف و موفقیتها زودتر حاصل شده و پیشرفت و توسعه و رفاه محقق گشته است و در ادامه‌ی راه نیز می‌بایست توسط دیگر سالکین این مقصد، مورد توجه قرار گیرد.

### ۵-۳- مصادیق عملی مدیریت انقلابی:

مدیریت انقلابی به عنوان یکی از مهمترین جریان‌هایی که از ابتدای شکل‌گیری انقلاب در جامعه اسلامی وجود داشته است توانسته تا به عنوان یکی از تکیه گاه‌های اصیل مطرح شود که با عملکرد بی نظیر خود که ناشی از جهان بینی این جریان است تا حدود بسیار زیادی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی افزوده است. نمونه‌های بارز این گونه مدیریت را می‌توانیم در جهاد سازندگی، خودکفایی دفاعی، مدیریت هشت سال دفاع مقدس، برنامه موشکی، برنامه هسته‌ای و اردوهای جهادی دانشجویی جستجو کنیم.

مدیریت انقلابی در جهاد سازندگی: جهاد سازندگی، نهادی انقلابی در ایران برای سرعت بخشی به سازندگی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. پس از گذشت حدود چهار ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی در ۲۶ خرداد ۱۳۵۸، ضرورت تشکیل جهاد سازندگی را به منظور آبادانی روستاها اعلام کرد. در پی این پیام، جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد تشکیل شد. در ۲۷ شهریور ۱۳۵۸، اساسنامه جهاد به تصویب هیئت وزیران رسید. طبق اساسنامه، هدف از تشکیل جهاد سازندگی، بسیج امکانات و استعدادهای مردم و دولت

برای همکاری در امور تهیه و اجرای سریع طرح‌های سازندگی باتوجه و تأکید بر نیازهای روستاها و نقاط دورافتاده مملکت اعلام گردید.

بر اساس اساسنامه، شورای عالی جهاد مسئولیت بررسی برنامه‌ها و طرح‌های پیشنهادی، تصویب طرح‌های مناسب و جلب همکاری مردم برای اجرای طرح‌ها را برعهده داشت. این وظایف را شوراهای جهاد سازندگی استان و شهرستان، در سطح محدودتری، به عهده داشتند. در اواخر ۱۳۵۸ ش، پس از استعفای دولت موقت، جهاد سازندگی تحت نظر شورای انقلاب در آمد و به صورت نظام شورایی اداره شد. زمینه فعالیت جهاد سازندگی در سال‌های نخست آن، به عمران، خدمات رسانی و آموزش‌های فنی منحصر بود، ولی بنا به ضرورت و مقتضیات جامعه، مسئولیت‌های جهاد، دائماً در حال تغییر و تحول بود و رسیدگی به اموری چون امور فرهنگی، بهداشت و اشتغال را نیز برعهده گرفت.

جهاد سازندگی تا ۱۳۶۲ ش نهادی دولتی محسوب نمی‌شد، اما انجام کارهای زیربنایی و تولیدی، اهتمام به مشارکت در سیاستگذاری‌های کشور و مهمتر از همه تلاش‌های بی‌وقفه آن سبب شد تا به وزارتخانه تبدیل شود. بدین منظور، مجلس شورای اسلامی در آذر ۱۳۶۲ لایحه تشکیل وزارت جهاد سازندگی را تصویب کرد. وزارت جهاد سازندگی از ۱۳۶۳ ش عهده‌دار وظایف جدیدی شد، از جمله نظارت و سرپرستی سازمان امور عشایر در ۱۳۶۳ ش، صنایع روستایی و دستی در ۱۳۶۴ ش، شرکت سهامی شیر در ۱۳۶۵ ش و شیلات و فرش در ۱۳۶۶ ش. حرکت به سوی خودکفایی کشور از طریق توسعه کشاورزی، از اهداف اصلی وزارتخانه محسوب می‌شد.

تشکیلات جهاد سازندگی پس از دولتی شدن، گسترش یافت و سیاست‌های آن متمرکزتر گردید. برای پرهیز از تداخل وظایف آن با وزارت کشاورزی و سایر وزارتخانه‌ها، تفکیک وظایفی صورت گرفت. بر این اساس در مهر ۱۳۶۹، مسئولیت دو بخش گسترده امور دام و منابع طبیعی به وظایف جهاد سازندگی افزوده شد و در مقابل از برخی وظایف کوچک در زمینه‌های مختلف کاسته شد که نتیجه آن تغییر سیاست‌های عمران روستایی به سمت امور دام و منابع طبیعی بود. تغییر سیاست‌های جهاد متأثر از عواملی چون افزایش عرضه نیروی کار و کاهش توان اشتغالزایی در روستا بود. دو سال پس از تشکیل وزارت جهاد سازندگی، لایحه مقررات مالی، اداری و استخدامی آن به تصویب مجلس رسید.

جنگ عراق با ایران، زمینه‌های فعالیت‌های جهاد را متحول کرد و بر مقدار آن افزود. جهاد طی هشت سال جنگ، برای جمع‌آوری، ارسال و توزیع کمک‌های مردمی به جبهه‌ها،

«ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان و شهرستان» را تشکیل داد و با چهل گردان مهندسی - رزمی و چهار قرارگاه عملیاتی و پشتیبانی در تمامی مراحل دفاع، حضور داشت. وظایف محول به جهاد سازندگی، در طول جنگ، پشتیبانی امور مهندسی جبهه و بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده بود. طراحی و ساخت طولانیترین پل شناور جهان (پل خیبر) به طول چهارده کیلومتر، که ارتباط بین جزایر مجنون و ساحل هور را امکانپذیر می‌ساخت، نمونه‌ای از عملیات برجسته جهاد سازندگی به شمار می‌آید.

پس از پایان جنگ، جهاد سازندگی به بازسازی مناطق جنگ‌زده پرداخت. در ۱۳۷۵ ش، جهاد سازندگی طرح بسیج سازندگی را به منظور بهره‌گیری از توانایی‌های جوانان تحصیل کرده در رشته کشاورزی و نیز تأمین نیروی انسانی در بخش ترویج و توسعه روستایی مطرح کرد که نخستین مرحله آن در ۱۳۷۸ ش با به کارگیری نیروهای فارغ‌التحصیل کشاورزی در دوره نظام وظیفه به اجرا درآمد. جهاد سازندگی به منظور برقراری پیوند بین فعالیت‌های اجرایی با مراکز تحقیقاتی، اقداماتی کرد؛ از جمله راه‌اندازی شش مؤسسه تحقیقاتی مادر شامل رازی (فعال در زمینه تولید واکسنهای پزشکی و دامپزشکی)، جنگل و مرتع، دامپروری، شیلات، آبخیزداری و مهندسی، مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازندگی به عنوان نخستین مرکز اطلاع‌رسانی علمی کشور (تأسیس ۱۳۷۲ ش)، مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی جهاد سازندگی.

جهاد سازندگی در دوران فعالیتش، دستاوردهای مهمی به همراه داشته است. برای نمونه، بخشی از کارکردهای آن عبارتند از: دستیابی به خودکفایی و بی‌نیازی از واردات در بخش دام و طیور؛ بهره‌گیری از روشهای مناسب صید در بخش شیلات؛ پرورش و تولید سالانه هزاران تُن میگو و ماهیان سردابی و گرمابی؛ جایگاه سوخت، چاه کشاورزی و برقرسانی و احداث جایگاه‌های توزیع سوخت در بخش عشایر، اجرای طرح ملی تعاون دام و مرتع، توسعه فضای سبز و جنگل کاری و ایجاد کمربندهای سبز حفاظتی در بخش منابع طبیعی ایران. کمک به مناطق محروم کشورهای مسلمان نیز از اهداف جهاد سازندگی بود. جهاد سازندگی با تأسیس دفاتری در کشورهای تانزانیا، سیرالئون، غنا و لبنان به اجرای طرحهایی چون کشت آبی و دیم، تهیه و توزیع ادوات صیادی، آموزش روستاییان و کشاورزان، ارائه خدمات و احداث مراکز درمانی در این کشورها پرداخته است.

مدیریت انقلابی در دفاع مقدس؛ مدیریت انقلابی در دفاع مقدس باعث شد تا این بخش از تاریخ ایران به عنوان یکی از موفقترین مراحل مدیریت انقلابی مطرح شده است به

گونه ای که در آن شرایط سخت و با تحریم گسترده ما شاهد یک مدیریت درخشان در عرصه ی اداره جنگ بودیم به گونه ای که الگوهای معنوی و مدیریتی فرماندهان دفاع مقدس که برگرفته از مجموعه فضایل و نکات معنوی همچون ایمان، شجاعت، اخلاص، ایثار و فداکاری، ارتباط با خدا و نکات مدیریتی برجسته فرماندهان نظیر مدیریت مشارکتی، برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و تصمیم گیری خصوصاً در مرحله بحرانی است خود می تواند به عنوان یکی از راهکارهای اصلی شناخت راهکار مدیریت انقلابی مطرح شود. عده ای مدیریت انقلابی در جبهه ها را به عنوان یک مدیریت هیئتی مطرح می کنند اما همین مدیریت انقلابی در جبهه ها و در دفاع مقدس خود چهارچوب علمی و قابل دفاع از خود به نمایش گذاشته است. این چهارچوب را می توان در چهار مرحله ی برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و تصمیم گیری در بحران مشخص و بررسی کرد. که ما در اینجا به اختصار به هر کدام اشاره می کنیم.

۱. برنامه ریزی: برنامه ریزی مانند پلی، زمان حال را به آینده متصل می کند. هر فردی می تواند با برنامه ریزی و تعیین اهداف مورد نظر و پیش بینی راه های دستیابی به آنها، در جهتی صحیح حرکت نموده و به موفقیت لازم دست یابد. برنامه ریزی، یکی از ارکان اصلی سازمان ها است که ادامه حیات سازمان و دستیابی به نتایج مورد نظر، بدون داشتن برنامه ای مشخص، غیرممکن می نماید. لذا برنامه ریزی منطقی، باید دارای مدت زمانی باشد که بتواند تکافوی انجام تعهدات ناشی از تصمیم های امروزی ما را بکند.

نقش پیش بینی این است که آینده را از حالت عدم اطمینان به سوی اطمینان نسبی سوق می دهد. پیش بینی و برنامه ریزی بلندمدت، باعث می گردد که عدم اطمینان محیط، کاهش یابد و در عین حال، فرصت ها و موقعیت های کاری، شناسایی شود. سرلشگر رحیم صفوی درباره شهید زین الدین می گوید: از نظر نظامی فرماندهی بود که در بعد هجوم و حمله بهترین طراح نظامی به شمار میرفت و در بعد پدافند و دفاع از منطقه ای که آن را تصرف کرده بود، بهترین طرح ریزی دفاعی و اجرا را داشت. آن شهید بزرگوار بعضی ها را به اجبار به مرخصی می فرستاد و می گفت: «من اینها را می شناسم، این افراد در آینده سرداران اسلام خواهند بود... من اینها را برای روز مبادا، در آب نمک می گذارم. ما حساب کرده ایم و روی تک تک مسائل، برآورد کرده ایم، حتی حساب کرده ایم، هر نفر در روز، چقدر مصرف دارد، چقدر دارد، چقدر باید برود چقدر است و مشکلات خود را این گونه، دانه به دانه سنجیده ایم و برای همه اینها، فکری و چاره ای اندیشیده ایم».

۲. سازماندهی: یکی از اساسی ترین وظایف مدیران در سازمانها، سازماندهی است. پیچیدگی و بزرگی سازمانهای امروزی ضرورت و اهمیت این امر را دوچندان کرده است. به کمک سازماندهی است که اهداف کلی و مأموریت اصلی سازمان در قالب هدفهای جزئی تر و وظایف و فعالیت های ریزتر و مشخص تر، تعریف می گردد و دستیابی به اهداف سازمان امکان پذیر می شود. در سازماندهی، وظایف، اختیارات و مسئولیت های واحدها و افراد مختلف مشخص شده و نحوه هماهنگی و ارتباط بین آنها معین می گردد. حضرت علی (ع) فرماید: «برای هر یک از کارکنان خود کاری را تعیین کن، تا او را نسبت به همان مورد مؤاخذه کنی. این کار باعث میشود که آنان کارها را به یکدیگر واگذار نکنند». درباره شهید زین الدین نقل می کنند که: «بینش عمیقی نسبت به تک تک نیروها داشت، با یکی دو برخورد می فهمید فلان نیرو، به درد چه واحدی می خورد. گاه نیروی خاصی را برمی گزید، همه جا با خودش همراه می کرد، آن وقت بعد از چند روز می دیدی حکمی برایش زده و به عنوان مسئول فلان واحد معرفی کرده است. برای هر فرمانده گردانی روی کاغذ می نوشت که شما چه مأموریت هایی داری، برای معاونت های لشکر، برای فرمانده گردان ها به صورت دستورالعمل جزء به جزء می نوشت و تقسیم کار می کرد.

۳. نظارت: از عناصر حیاتی مدیریت در همه سیستمها، اصل نظارت و کنترل است. این اصل ضامن حرکت سازمان در مسیر اهداف تعیین شده و در نتیجه تضمین کننده بقا و تکامل آن می باشد، و اصولاً هیچ سازمانی بدون داشتن نظامی مناسب و قدرتمند در بعد نظارت و کنترل نمی تواند بقا، دوام و پیشرفت خود را تضمین نماید. به منظور تحقق اهداف مندرج در برنامه های تدوین شده و انجام صحیح فعالیت های فردی و گروهی در سازمان، کنترل های لازم در مراحل مختلف صورت می گیرد. از طریق انجام کنترل، مدیران نسبت به چگونگی انجام فعالیت ها و عملیات سازمانی، آگاهی کسب می کنند و در صورت لزوم، اصلاحات ضروری انجام می دهند. فرماندهان دفاع مقدس درباره شهید زین الدین می گویند: «آقا مهدی با شجاعت تمام بر مسئله حفر کانالها نظارت داشت و حساسیت خاصی را در بهتر شدن کار، از خود نشان می داد. همین دقت و ظرافت آقا مهدی و تلاش بسیجیان تحت امرش، باعث شد که ما تعداد زیادی از



پاتک‌های دشمن را دفع کنیم».

۴. تصمیم‌گیری در بحران: تصمیم‌گیری از اهمیت بسیار و جایگاهی ویژه در مدیریت برخوردار است. تصمیم‌گیری جوهره مدیریت است و عبارت از اتخاذ تصمیم برای انجام فعالیت‌ها در زمان آینده و انتخاب یک راه حل از میان راه‌های مختلف می‌باشد. مدیران تصمیمات متعددی را در موضوعات مختلفی که برای سازمان پیش می‌آید اتخاذ می‌کنند. ولی نکته مهم آن است که مدیران در شرایط بحرانی که اتخاذ تصمیمات حائز اهمیت است چگونه تصمیم‌گیری می‌کنند. مناسب‌ترین وضعیت برای تصمیم‌گیری، موقعیت اطمینان است. مدیران در شرایط بحرانی باید در طی بحرانها آرامش خود را حفظ کنند. سردار شهید احمد کاظمی در این باره می‌گوید: «هرگاه قرار بود عملیاتی انجام شود و در قرارگاه در مورد مسائل مربوط به آن بحث می‌شد، آقا مهدی خیلی با صراحت به من می‌گفت: احمد! من تا روی زمین عملیات راه نروم، نمیتوانم برای مسائل آن تصمیم بگیرم». آنچه در این باره بسیار مهم است این است که این چهارچوب امروز برای بررسی مسائل موشکی و نظامی ما نیز به کار می‌رود به گونه‌ای که اکنون مدیران انقلابی در مسیر مدیریت خود به این موضوع معتقدند و می‌دانند که می‌توانند و این دیدگاه در کنار بدبینی به دشمن باعث شده است که علاوه بر اعتماد به نفس و اعتماد به داخل و توانایی‌های داخلی جامعه‌ی اسلامی را به سمت کارآمدی پیش ببرند. امروز بی‌شک مهمترین روش برای پیاده‌سازی این سبک مدیریتی به جامعه، عمل به آن و حمایت توسط مدیران کشور است که باید تک‌تک برای رسیدن به این مهم برنامه‌ریزی کنند و نیازی به نیروی کنترل‌کننده نداشته باشند، چرا که در سایه برنامه‌ریزی صحیح و پیاده‌سازی توسط مدیران، این سبک مدیریتی از طریق عمل آن‌ها در جامعه تسری می‌یابد و تبدیل به سبک حاکم شود. در الگوی «مدیریت انقلابی» نهادستیزی و تجربه‌ستیزی به اسم انقلابی‌گری و آرمانگرایی و عدالت‌طلبی هیچ جایگاهی ندارد. اجتناب از سیاست‌زدگی عوامانه به معنای ارجحیت منافع و مصالح ملی بر منافع فردی و جناحی از دیگر شاخصه‌های مدیریت انقلابی است. مدیریت انقلابی غایت خود را اثبات «کارآمدی دین در اداره جامعه» می‌بیند و کارگزار اجرایی تحقق «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت» است.

«در همه حال، شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از سر کشور است؛ زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست؛ و هر کس در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما، چه با صراحت و چه به وسیله طرحهایی که لازمه اش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه ای باشد بدهد، خائن به اسلام و کشور است، و احتراز از او لازم است؛ زیرا اگر دخالت اجانب خصوصاً امریکا، شوروی، انگلیس وجود داشته باشد، هر رژیمی که روی کار بیاید تنها آلتی خواهد بود برای عقب نگهداشتن ملت و ادامه بدبختی ها و محرومیت ها از یک طرف، و چپاولگری ها و قلدری ها از طرف دیگر. عوض شدن مهره ها گرچه ممکن است موقتا اوضاع را بهتر از حال حاضر کند، ولی تأثیری در سرنوشت ما ندارد، زیرا تمام بدبختیها و گرفتاری های مسلمین از دخالت اجانب در مقدرات آنان است»  
مقام معظم رهبری-پیام به طلاب علوم دینی و دانش آموزان و دانشجویان



q-b.ir



@qbagheri



قراگاه شهید یاری



کافه انتخابات



@cafeentekhabat



@cafeentekhabat